

بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار

Relationship between Executive Function and Cognitive Distortions on Delinquent Juveniles and Non-Delinquent Juveniles

Ali-Akbar Arjmandnia

Soghra Roytvand-Ghiasvand

Ali Sharifi

علی اکبر ارجمندنیا *

صغری رویتوند غیاثوند **

علی شریفی **

چکیده

Abstract

The purpose of this ex-post facto research is study about relationship between executive function and cognitive distortion on delinquent juveniles and non-delinquent juveniles in Tehran. Statistical sample are 62 delinquent juveniles selected by purposeful selection from "the center of modification and training" and 82 people of non-delinquent juveniles selected by method of random sampling from students of middle and high school of Tehran. Irrational test of belief test (IBT) (Jones, 1968) is used for studying cognitive distortion and gathering data about executive function used from the Coolidge personality and neuropsychological inventory test (CPNI). Statistical method include: independent t-test, correlation coefficient, one way analyze of variance and multi way analyze of variance. The results showed that the rate of executive function in delinquent juveniles is fewer than the juveniles that aren't delinquent and also the rate of cognitive distortion in delinquent juveniles is more than non-delinquent juveniles. So there is no relation between executive function and cognitive distortion in the two groups. It seems that one of the determinative variables of delinquency causes the defect in executive function and cognitive distortion.

Keywords: executive function, cognitive distortion, delinquent juveniles

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه کارکردهای اجرایی با باورهای غیر منطقی نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار پسر در قالب یک طرح پژوهشی پس‌رویدادی انجام گرفته است. نمونه مورد بررسی ۶۲ نفر از نوجوانان بزهکار بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس (گزینش هدفمند) از بین مددجویان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران و ۸۲ نفر نوجوان غیر بزهکار به روش نمونه‌گیری تصادفی از میان دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان شهر تهران انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با باورهای غیر منطقی از آزمون باورهای غیر منطقی جونز، و در زمینه کارکردهای اجرایی از آزمون عصب-روانشناختی کولیدج استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری t مستقل، ضریب همبستگی و تحلیل واریانس چند متغیره و تک متغیره استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که میزان کارکردهای اجرایی در نوجوانان بزهکار، ضعیف‌تر از نوجوانان غیر بزهکار می‌باشد، و میزان باورهای غیر منطقی در نوجوانان بزهکار بیشتر از نوجوانان غیر بزهکار است. همچنین بین کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در هر دو گروه رابطه‌ای دیده نشد. به نظر می‌رسد نقص در کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی زمینه‌ساز بزهکاری می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: بزهکاری نوجوانان، کارکردهای اجرایی، باورهای غیر منطقی

email: arjmandnia@ut.ac.ir

* عضو هیات علمی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی. دانشگاه

تهران

Received: 12 Jul 2014

Accepted: 5 May 2015

پذیرش: ۹۴/۲/۱۵

دریافت: ۹۳/۴/۲۱

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای است که به دلیل تحولات بلوغ، ارزش‌ها و بحران هویت احتمال بروز بزه در آن بیشتر است (فرجاد، ۱۳۸۸). بزه به جرمی اطلاق می‌شود که افرادی که به سن قانونی نرسیده‌اند، مرتکب آن می‌شوند (محمدی اصل، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر، رفتار انحرافی (رفتاری که از دیدگاه قانون شایسته مجازات است) نوجوانی که هنوز به سن قانونی (۱۸ سالگی) نرسیده، بزهکاری، و نوجوان مرتکب این رفتار را بزهکار می‌نامند. بزهکاری نوجوانان و مسائل ناشی از آن یکی از معضلات زیستی-روانی، اجتماعی^۱ است که برای پیشگیری از آن اتخاذ تدابیر همه جانبه ضروری است (احمدی، ۱۳۸۸). در اثر بزهکاری نوجوانان ضرر و زیان همه جانبه‌ای متوجه بزهکاران و جامعه می‌شود، نیروها و استعدادهای جوانان که از مهمترین سرمایه‌های کشورها محسوب می‌شوند، از دسترس جامعه خارج شده و هزینه‌های هنگفتی نیز صرف جبران خسارت وارده جهت بزهکاری نوجوانان و مقابله با این معضل می‌گردد (فوستر و جونز، ۲۰۰؛ اسکات و هندرسون، ۲۰۰. به نقل از شاهرخی، ۱۳۸۸). از دیگر سو، مطالعات نظری و نمونه‌های بالینی نشان دهنده‌ی این است که نوجوانان بزهکار در زمینه باورهای غیر منطقی با مسائل زیادی روبرو هستند (گلدستین^۲ و همکاران، ۱۹۹۸؛ گیورا و اسلبی^۳، ۱۹۹۰؛ لیمن و همکاران، ۱۹۹۳، به نقل از لاردن و همکاران، ۲۰۰۶). باورهای غیر منطقی فرایندهای فکری ناکارآمدی هستند که فرد در طول زندگی تحت تاثیر عوامل فرهنگی و محیطی دریافت می‌کند. این تفکرات خیالی و بی معنی باعث ایجاد اضطراب و اختلالات رفتاری در انسان شده (پاترسن^۴، ۱۹۶۶؛ ایس^۵، ۱۹۷۳، پاپن^۶، ۱۹۷۴؛ به نقل از شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۹)، و در تبدیل شناخت‌ها به منبع نگرانی و تضاد در زندگی افراد نقش دارند (بک و همکاران، ۱۹۷۹؛ به نقل از دایتلو و بیرشک، ۱۳۸۵). همچنین این خطاها منجر به دریافت‌ها، انتظارات، اسنادها، فرض‌ها و معیارهای تحریف شده یا نامناسب می‌شوند (باکوم و همکاران، ۱۹۸۹؛ به نقل از دایتلو و بیرشک، ۱۳۸۸)، و با رهاکردن فرد از قید و بندها، همدلی را خنثی کرده و فرد مجرم را در جهت تولید و به کارگیری وسیع رفتارهای ضد اجتماعی هدایت می‌کنند (باریگا و همکاران، ۲۰۰۹؛ یاجلسن، و سامنو، ۱۹۷۷). علاوه بر این، باورهای غیر منطقی نگرش‌های مساعد جهت انجام پرخاشگری یا رفتارهای ضد اجتماعی مخرب (حمله، جنگ و نزاع، تهدید و آزار) و غیر مخرب (بحث و جدل، مبارزه طلبی، لجبازی و کله شقی) را فراهم می‌کند (باریگا و همکاران، ۲۰۰۸)، و با کاهش دادن

1. Bio-Psycho-social

2. Goldstein

3. Guerra & slaby

4. paterson

5. Ellis

6. Papen

همدلی یا احساس گناه باعث قضاوت اخلاقی (خود تعریفی) فرد درباره خود به عنوان یک فرد پرهیزگار می‌گردد (گیس، ۲۰۰۳)، در نتیجه این باورها می‌توانند منجر به توسعه رفتار بزهکارانه یا غیر اخلاقی در فرد مجرم شوند (لاردن و همکاران، ۲۰۰۶). از طرفی مولفه‌ی مهم دیگری که می‌تواند زمینه بروز خشونت، پرخاشگری، رفتارهای خطرناک و بزه را فراهم کرده و خطر بروز این رفتارها را افزایش دهد، آسیب در کارکردهای اجرایی است (مورگان و لیلینفلد، ۲۰۰۰؛ گیانکولا، ۲۰۰۷؛ انس و همکاران، ۲۰۰۸ و انس و همکاران، ۲۰۰۷). کارکردهای اجرایی عصبی- شناختی^۱ مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های عالی شناختی و فراشناختی ساختاری هستند که با فرایندهای روانشناختی مسئول کنترل هوشیاری، تفکر و عمل مرتبط بوده، و به انسان در زندگی، هدایت و کنترل رفتار، رسیدن به هدف، انجام تکالیف یادگیری و کنش‌های هوش کمکی می‌کنند و شامل مولفه‌های گوناگونی از جمله خودگردانی^۲، بازداری^۳، خود آغازگری^۴، برنامه‌ریزی راهبردی^۵، انعطاف شناختی^۶، کنترل تکانه^۷، حافظه فعال^۸، تصمیم‌گیری^۹، گیری^{۱۰}، ادراک زمان^{۱۱}، پیش‌بینی آینده^{۱۱}، حفظ و تبدیل^{۱۲}، بازسازی^{۱۳}، کنترل حرکتی^{۱۴}، زبان درونی^{۱۵}، حل مساله^{۱۶} و سازمان‌دهی^{۱۷} می‌باشند (پاسکال و فیشین، ۲۰۰۰، آرفا^{۱۸}، ۲۰۰۷ و کریوس و بویترگر، ۲۰۰۹). ارتباط مستقیم بین عدم کنترل خشم، خود نظم دهی و بازداری به عنوان مولفه‌های کارکردهای اجرایی نشان دهنده‌ی نقص افراد بزهکار در زمینه کارکردهای اجرایی است (کولهوف، لوبر، وی، پاردینی و دسکوری، ۲۰۰۷)، و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آسیب در کارکردهای اجرایی باعث اختلال در عملکرد شناختی فرد و به تبع آن اختلال در رفتار خود تنظیمی، مهارت‌های اجتماعی، قضاوت فرد، عدم کنترل خشم و بازداری می‌گردد (کولهوف، لوبر، وی، پاردینی و دسکوری، ۲۰۰۷، پاسکال و فیشین، ۲۰۰۰). همچنین نقایص کارکردهای اجرایی باعث کاهش تنظیم شناختی و تنظیم رفتاری شده که این

1. Neurocognitive executive function

2. Self-regulation

3. inhibition

4. Self- initiation

5. strategically goal palnning

6. Flexibility

7. Impulsive control

8. Working memory

9. decision

10. Time perception

11. Anticipation

12. Maintenance & Slipt

13. Reconstruction

14. Motor control

15. Internal language

16. Problem solving

17. Organization

18. Arfa

موضوع به نوبه خود می‌تواند باعث افزایش بروز رفتارهای جامعه‌ستیزانه شود (گیانکولا، ۲۰۰۷). در همین راستا، مورگان و لیلینفلد (۲۰۰۰) نیز در فرا تحلیلی در زمینه‌ی رفتارهای ضد اجتماعی و کارکردهای اجرایی به این نتیجه دست یافتند که معناداری قوی آماری بین رفتار ضد اجتماعی و نقص در کارکردهای اجرایی وجود دارد. علاوه بر این، پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی کارکردهای اجرایی در اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای نیز حاکی از آن است که نارسایی‌هایی مانند نابازداری در نوجوانان بزهکار دیده می‌شود که با اختلال در منطقه فرونتال مغز (ناحیه‌ای که با کارکردهای اجرایی در ارتباط است) رابطه دارد (کیم، کیم و کوان، ۲۰۰۱، نیگ، ۲۰۰۳؛ به نقل از علیزاده، ۱۳۸۵). همچنین در این راستا می‌توان به پژوهش انس و همکاران (۲۰۰۸) در زمینه کارکردهای اجرایی و بزهکاری اشاره کرد. آنها در پژوهش خود در ارتباط با زنان بزهکار به این نتایج دست یافتند که میانگین نمرات به دست آمده از زنان بزهکار در حیطه‌های برنامه‌ریزی و پردازش متوالی به شکل معناداری پایین‌تر از گروه عادی بوده است. این پژوهشگران بیان کرده‌اند که زنان بزهکار زندانی نقایص عصب شناختی بیشتری را از خود نشان می‌دهند. همچنین در پژوهشی دیگر که انس و همکاران (۲۰۰۸) برای اندازه‌گیری کارکردهای اجرایی بر روی مردان بزهکار انجام دادند، به این نتیجه دست یافتند که میانگین به دست آمده برای برنامه‌ریزی، توجه و پردازش متوالی در افرادی که رفتار ضد اجتماعی کودک داشتند، نسبت به گروه عادی به شکل معناداری کمتر بوده است. علاوه بر ارتباط بین نقص در کارکردهای اجرایی و بزهکاری، موضوع مهم دیگر ارتباط بین کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی به عنوان یک متغیر شناختی است. به عبارتی نکته قابل توجه در زمینه کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی خاستگاه متفاوت آنها است. بدین معنی که خاستگاه باورهای غیر منطقی حوزه روانشناختی و خاستگاه کارکردهای اجرایی حوزه عصب-روانشناختی است. با این وجود، علی‌رغم اینکه باورهای غیر منطقی و کارکردهای اجرایی دارای مبانی و خاستگاه‌های متفاوتی هستند، اما یافته‌های پژوهشی در سالیان اخیر تأیید کننده وجود ارتباط بین متغیرهای عصب روانشناختی و روانشناختی بوده‌اند (ریگس و همکاران، ۲۰۰۶؛ تیچنر و گلدن، ۲۰۰۰؛ تیچنر و همکاران، ۲۰۰۰). به عبارتی تأثیر کارکردهای اجرایی در رشد قابلیت‌های روانی و اجتماعی افراد (رشد نظریه ذهن، مهارت‌های اجتماعی-هیجانی و ...) بیانگر وجود ارتباط بین متغیرهای عصب-روانشناختی و روانشناختی است (ریگس، جهرمی، رازا، دیلورث-بارت، مولر، ۲۰۰۶). همینطور می‌توان به پژوهش‌های صورت گرفته توسط باریگا و گیسیس (۱۹۹۶) که با استفاده از پرسشنامه "من چگونه فکر می‌کنم" انجام شده است، اشاره کرد که در این پژوهش‌ها ضمن تأیید ارتباط کارکردهای اجرایی با متغیرهای شناختی از قبیل بهره هوشی، گزارش شده است که باورهای کلیشه‌ای نیز در میان بزهکاران بیشتر از افراد عادی است. همچنین انس و همکاران (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که باورهای غیر منطقی در زنان بزهکار زندانی نسبت به زنان عادی بیشتر است و یافته‌های پژوهشی جدید

نیز این موضوع را تأیید می کند که متغیرهای عصب روانشناختی و روانشناختی (مانند باورهای غیر منطقی) در سبب شناسی شکل‌هایی از خشونت، پرخاشگری و بزهکاری در بزرگسالان موثر است، ولی طبیعت این ارتباط مبهم بوده و نقش این متغیرها در نوجوانان کمتر روشن است (تیچنر و همکاران، ۲۰۰۰). اما با وجود تأیید ارتباط بین متغیرهای عصب شناختی و شناختی در بسیاری پژوهش‌ها (ریگس، چهرمی، رازا، دیلورث-بارت، مولر، ۲۰۰۶؛ تیچنر و همکاران، ۲۰۰۰؛ تیچنر و گلدن، ۲۰۰۰) تاکنون سبب شناسی اختلالات رشدی از جمله بزهکاری^۱، اختلال سلوک^۲ و نافرمانی مقابله‌ای^۳ بیشتر از منظر عوامل محیطی و تربیتی مورد بررسی قرار گرفته است (دیشون و پاترسون، ۱۹۹۶؛ بوشن، وبستر-استراتون و رید، ۲۰۰۵، به نقل از علیزاده، ۱۳۸۵)، و این در حالی است که خلاء پژوهشی زیادی در زمینه شناخت سازوکارهای روانشناختی و عصب شناختی به ویژه بر روی نوجوانان بزهکار دیده می‌شود (شاهرخی، ۱۳۸۸). از طرف دیگر، بخش کوچکی از تحقیقات، ارتباط بین آسیب‌های عصب روانشناختی را در بزهکاران مورد بررسی قرار داده است (تیچنر و همکاران، ۲۰۰۰). از این رو، با توجه به این که آگاهی در مورد اهمیت سلامت عمومی کارکردهای اجرایی و آسیب آنها مختصر و کم بوده، و هم اینکه این‌گونه پژوهش‌ها آگاهی‌های با ارزشی را جهت توسعه مداخلات درمانی برای افراد آسیب پذیر که در معرض خطر هستند و اغلب خدمات تشخیصی و درمانی مناسب دریافت نمی‌کنند، ارایه می‌نماید (پاسکال و فیشبین، ۲۰۰۰). هر گونه پژوهش و مطالعه‌ای که در زمینه ارتکاب عمل مجرمانه انجام شود، علاوه بر اینکه مشکلات بسیاری را در حیطه آسیب شناسی جنایی و روانی روشن می‌سازد، در پیشگیری، درمان و حل مسائل و مشکلات مجرمان دارای کاربردهای فراوانی خواهد بود (شاملو، ۱۳۶۸). در نهایت با توجه به مسائل مطرح شده و خلاءهای موجود در زمینه پژوهش در مورد بزهکاری نوجوانان و ارتباط آن با باورهای غیر منطقی به عنوان یک متغیر روانشناختی و همچنین کارکردهای اجرایی به عنوان یک متغیر عصب روانشناختی، پژوهش حاضر درصدد آن است که از زاویه شناختی و عصب-روانشناختی به بزهکاری نوجوانان پرداخته، و علاوه بر مقایسه کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار، رابطه کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی را در این دو گروه مورد بررسی قرار دهد.

1. Delinquency

2. Conduct disorder

3. Oppositional Defiant Disorder

روش

جامعه آماری و نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از نوع غیرآزمایشی و پس رویدادی می‌باشد. در این پژوهش بدون اینکه کنترلی بر متغیرها وجود داشته باشد، کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه مددجویان نوجوان پسر ۱۲ تا ۱۶ سال کانون اصلاح و تربیت شهر تهران و کلیه دانش آموزان نوجوان پسر ۱۲ تا ۱۶ سال شهر تهران تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری دانش آموزان نوجوان بزهکار به صورت نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد. بدین معنا که کلیه نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ سال کانون اصلاح و تربیت که امکان ارتباط با آنها وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفتند و تعداد ۶۲ نفر به عنوان گروه بزهکار انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری نوجوانان غیر بزهکار به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. به این ترتیب که ابتدا با مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران لیستی از مدارس پسرانه راهنمایی و دبیرستان و همچنین تعداد دانش آموزان مشغول به تحصیل در این مدارس به دست آمد. سپس از لیست تهیه شده، تعداد مدارس مورد نیاز از هر گروه با توجه به حجم نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند و در آخر تعداد ۹۶ نوجوانان غیر بزهکار به صورت تصادفی انتخاب شدند که این تعداد در نهایت در طی مراحل پژوهش به ۸۲ نفر تقلیل یافت.

ابزار

آزمون باورهای غیر منطقی جونز: این آزمون در سال ۱۹۶۸ توسط جونز تهیه گردید. این آزمون از ۱۰ قسمت شامل ۱۰۰ عبارت ساخته شده است که هر قسمت مربوط به یکی از باورهای غیر منطقی می‌باشد. تحقیقات متعددی روایی این آزمون را مورد تأیید قرار داده‌اند. جونز با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد اعتبار این آزمون را ۰/۹۲ گزارش کرده است. همچنین تقی پور (۱۳۷۳) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ را برای این آزمون به دست آورده است.

آزمون عصب- روانشناختی کولیح: این آزمون در سال ۲۰۰۲ توسط کولیح تهیه شد و دارای ۲۰۰ سوال است. ۱۹۸ سوال نخست بر اساس مقیاس لیکرت، و به صورت چهار درجه‌ای تهیه شده است (کاملاً اشتباه، گاهی درست، تقریباً درست، و کاملاً درست)، و سوال ۱۹۹ و ۲۰۰ با درست و غلط پاسخ داده می‌شود. این آزمون برای سنین ۵ تا ۱۷ سال طراحی شده است و توسط والدین یا سرپرست کودک و نوجوان و یا کسی مانند معلم که فرد را به خوبی می‌شناسد، تکمیل می‌گردد. ۱۹ گویه از این آزمون جهت تشخیص اختلالات کارکردهای اجرایی به کار برده می‌شود، به این گونه که ۸ گویه سازمان‌دهی، ۸ گویه تصمیم‌گیری و ۳ گویه بازداری را می‌سنجد. آزمون کولیح دارای اعتبار ۰/۹۲ در تشخیص اختلال

بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در ...

های کارکردهای اجرایی می‌باشد. علیزاده و زاهدی پور (۱۳۸۳) نیز در پژوهش خود پایایی این آزمون را ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. آنها همچنین همسانی درونی مقیاس را با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آورده‌اند.

یافته‌ها

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها آزمون عصب-روانشناختی کولبیچ، میانگین کارکردهای اجرایی در نوجوانان بزهکار برابر با ۲۳/۴۷ بوده، و اکثر نوجوانان بزهکار (۴۳ نفر معادل ۶۹/۴ درصد) دارای کارکردهای اجرایی خیلی قوی می‌باشند. همچنین ۲۹ درصد از نوجوانان بزهکار (۱۸ نفر) دارای کارکردهای اجرایی خیلی ضعیف و ضعیف می‌باشند. در زمینه میزان باورهای غیر منطقی در نوجوانان بزهکار بر اساس آزمون باورهای غیر منطقی جونز نیز داده‌ها حاکی از آن است که ۴۸ نفر (۷۷/۴ درصد) از نوجوانان بزهکار دارای باورهای غیر منطقی زیاد و خیلی زیاد بوده و ۱۳ نفر از نوجوانان بزهکار معادل ۲۱/۰ درصد دارای باورهای غیر منطقی کم بوده‌اند، و به طور کلی میانگین باورهای غیر منطقی نوجوانان بزهکار برابر با ۲۹۷/۰۳ بوده است.

جدول ۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه‌ی بین کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در نوجوانان غیر بزهکار

کارکردهای اجرایی		متغیر
ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)	
-۰/۷۰	۰/۵۸۵	باورهای غیر منطقی
۰/۱۹	۰/۱۶۱	ضرورت تأیید دیگران
۰/۰۱	۰/۹۴۵	انتظار بالا از خود
-۰/۲۵	۰/۰۶۵	تمایل به سرزنش خود
۰/۰۳	۰/۸۰۰	واکنش به ناکامی
-۰/۱۴	۰/۳۰۸	بی مسئولیتی عاطفی
-۰/۲۶	۰/۰۵۱	دل مشغولی زیاد
۰/۱۷	۰/۱۹۸	اجتناب از مسائل
-۰/۰۴	۰/۷۸۲	وابستگی
۰/۲۵	۰/۰۶۸	ناامیدی نسبت به تغییر
-۰/۰۹	۰/۵۰۹	کمال گرایی

نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه‌ی بین کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در نوجوانان غیر بزهکار، به طور کلی نشان دهنده این است که بین نمرات باورهای غیر منطقی و کارکردهای اجرایی همبستگی منفی ضعیف و غیرمعنادار برابر با ۰/۰۷- وجود دارد ($p > ۰/۰۵$) $p > ۰/۰۷$

t = هر چند در برخی از خرده مقیاس‌ها همبستگی مثبت بین کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی مشاهده شد، اما هیچ یک از این همبستگی‌ها معنادار نبود.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه کارکردهای اجرایی در دو گروه بزهکار و غیر بزهکار

Sig	df _{error}	df _B	F	بزهکار		غیر بزهکار	
				میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
				۹/۷۲	۵/۶۶	۶/۴۵	۴/۶۹
۰/۰۰۰۱	۱۳۰	۳	۸/۰۹	۱۰/۸۲	۵/۸۶	۶/۴۷	۴/۳۳
				۳/۲۰	۲/۲۶	۲/۲۶	۲/۰۸

برای بررسی تفاوت بین کارکردهای اجرایی نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار تحلیل واریانس چند متغیره مورد استفاده قرار گرفت. قبل از اجرای آزمون پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات (با استفاده از آزمون کالموگراف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای) و همگنی ماتریس واریانس کواریانس (با استفاده از آزمون M باکس) بررسی شد که نتایج حاکی از نرمال بودن توزیع کارکردهای اجرایی و همگنی ماتریس واریانس کواریانس در دو گروه بود. نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره حاکی از آن است که ترکیب خطی مولفه‌های کارکردهای اجرایی (سازمان‌دهی، برنامه ریزی و بازداری) در دو گروه بزهکار و غیر بزهکار با یکدیگر تفاوت معناداری را نشان می‌دهند ($F_{(۳, ۱۳۰)} = ۸/۰۹, p < ۰/۰۱$).

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک متغیره برای مقایسه کارکردهای اجرایی در دو گروه

Sig	df _w	df _B	F	کارکردهای اجرایی
۰/۰۱	۱۳۲	۱	۱۳/۲۶	ضعف در سازماندهی
۰/۰۱	۱۳۲	۱	۲۴/۲۷	ضعف در برنامه ریزی
۰/۰۱	۱۳۲	۱	۶/۳۰	ضعف در بازداری

همچنین برای آگاهی از تفاوت بین مولفه‌های کارکردهای اجرایی در دو گروه از آزمون تک متغیره ANOVA که نتایج حاصل از آن در جدول ۳ نمایش داده شده است، استفاده شد. این نتایج حاکی از آن است که دو گروه در سازماندهی تفاوت معناداری داشته‌اند ($F_{(۱, ۱۳۲)} = ۱۳/۲۶, p < ۰/۰۱$) و ضعف سازمان‌دهی در گروه بزهکاران به صورت معناداری بیشتر از گروه غیر بزهکار است. همچنین دو گروه در زمینه برنامه‌ریزی نیز تفاوت معناداری را نشان داده‌اند ($F_{(۱, ۱۳۲)} = ۲۴/۲۷, p < ۰/۰۱$). به عبارتی ضعف در برنامه‌ریزی در گروه بزهکار به صورت معناداری بیشتر از گروه غیر بزهکار است. هر دو گروه در

بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در ...

نابازداری تفاوت معناداری داشته‌اند ($p < 0/01$ ، $F(10, 132) = 6/30$)، و ضعف در بازداری در گروه بزهکار به صورت معناداری بیشتر از گروه غیر بزهکار است.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه باورهای غیر منطقی در دو گروه

sig	df _{error}	df _B	F	بزهکار		غیر بزهکار		باورهای غیر منطقی
				انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
0/0001	69	10	0/1419	4/44	31/36	4/88	31/17	ضرورت تأیید دیگران
				4/44	30/64	4/27	30/57	انتظار بالا از خود
				4/83	31/10	4/60	28/80	تمایل به سرزنش خود
				4/70	29/12	4/45	29/93	واکنش به ناکامی
				4/99	26/37	5/48	25/68	بی مسئولیتی عاطفی
				4/62	30/30	4/96	32/77	دل مشغولی زیاد
				3/97	23/51	4/43	26/91	اجتناب از مسائل
				5/13	32/09	4/46	32/23	وابستگی
				4/64	30/37	4/64	32/73	ناامیدی نسبت به تغییر
				4/59	27/96	4/10	27/49	کمال گرایی

برای بررسی تفاوت بین باورهای غیر منطقی نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج حاصله حاکی از آن است که ترکیب خطی باورهای غیر منطقی در دو گروه بزهکار و غیر بزهکار با یکدیگر تفاوت معناداری دارد ($p < 0/01$ ، $F(10, 69) = 1419/00$).

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک متغیره برای مقایسه باورهای غیر منطقی در دو گروه

Sig	df _W	df _B	F	باورهای غیر منطقی
0/387	78	1	0/76	ضرورت تأیید دیگران
0/398	78	1	1/10	انتظار بالا از خود
0/172	78	1	1/10	تمایل به سرزنش خود
1/00	78	1	0	واکنش به ناکامی
0/175	78	1	1/88	بی مسئولیتی عاطفی
0/0001	78	1	13/67	دل مشغولی زیاد
0/006	78	1	8/04	اجتناب از مسائل
0/785	78	1	0/08	وابستگی
0/078	78	1	3/19	ناامیدی نسبت به تغییر
0/923	78	1	0/01	کمال گرایی

برای مشخص کردن معناداری و عدم معناداری تفاوت بین مولفه‌های باورهای غیر منطقی در هر دو گروه از آزمون ANOVA استفاده شد که نتایج به دست آمده (جدول ۵)، حاکی از آن است که میانگین "دل مشغولی زیاد" در دو گروه با یکدیگر تفاوت معناداری داشته ($F_{(1, 78)} = 13/67, P < 0/01$)، حاکمی از آن است که (و با توجه به میانگین حاصله، دل مشغولی زیاد در نوجوانان بزهکار به صورت معناداری بیشتر از نوجوانان غیر بزهکار می‌باشد. میانگین اجتناب از مسائل در دو گروه با یکدیگر تفاوت معناداری را نشان داده است ($F_{(1, 78)} = 8/04, P < 0/01$) و میانگین حاصله نیز نشان می‌دهد که اجتناب از مسائل در نوجوانان غیر بزهکار به صورت معناداری بیشتر از نوجوانان غیر بزهکار است. میانگین مولفه‌های تأیید دیگران، انتظار بالا از خود، تمایل به سرزنش خود، واکنش به ناکامی، بی مسئولیتی عاطفی، وابستگی، ناامیدی نسبت به تغییر و کمال گرایی در دو گروه تفاوت معناداری را نشان نداد ($P < 0/05$).

بحث

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه کارکردهای اجرایی با باورهای غیر منطقی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار صورت گرفته است. نتایج به دست آمده در زمینه بررسی میزان باورهای غیر منطقی در نوجوانان بزهکار حاکی از آن است که اکثر نوجوانان بزهکار (۷۷/۴ درصد) دارای باورهای غیر منطقی زیاد و خیلی زیاد بودند و میانگین باورهای غیر منطقی در نوجوانان بزهکار بر اساس آزمون جونز $297/03$ بوده است. بدین معنا که نوجوانان بزهکار دارای میزان بالایی از باورهای غیر منطقی می‌باشند و با توجه به ادبیات پژوهش چنین نتیجه‌ای دور از ذهن نبود. همسو با این نتایج باریگا و گیسی (۱۹۹۲؛ به نقل از لاردن و ملین، ۲۰۰۶) نشان داده‌اند که باورهای غیر منطقی بین بزهکاران و غیر بزهکاران متفاوت بوده و این باورها در میان بزهکاران بیشتر است. همچنین باریگا و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان داده‌اند که باورهای غیر منطقی نوجوانان بزهکار بیشتر از هم‌تایان غیر بزهکار آنها است، و انس و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان دادند که میزان باورهای غیر منطقی در زنان بزهکار زندانی بیشتر از زنان عادی است. علاوه بر پژوهش‌های فوق نتایج حاصل از پژوهش حاضر در این زمینه همسو با نتایج پژوهش‌های لاردن و میلین (۲۰۰۶)، گیانکولا (۲۰۰۳)، هاویت و شلدون (۲۰۰۷) و باریگا و همکاران (۲۰۰۹) می‌باشد.

در زمینه تفاوت بین کارکردهای اجرایی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار نیز نتایج نشان داد که میانگین کارکردهای اجرایی در دو گروه از لحاظ آماری تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به عبارتی نوجوانان بزهکار به صورت معناداری بیشتر از نوجوانان غیر بزهکار در کارکردهای اجرایی دچار مشکل هستند. این یافته‌ها نیز همسو با یافته‌های گیانکولا و همکاران (۲۰۰۶)، ویلمارت- پیتمن و همکاران (۲۰۰۲)، پاسکال و فیش بین (۲۰۰۰)، استیونز و همکاران (۲۰۰۱) و تیچنر و همکاران (۲۰۰۰) تأییدی بر

ضعف کارکردهای اجرایی در افراد بزهکار است. به علاوه استیونز و همکاران (۲۰۰۱) نقص در کارکردهای اجرایی افراد ضد اجتماعی و تیچنر و همکاران (۲۰۰۰) نیز اختلال در کارکردهای اجرایی (شامل اختلال در گفتار، گفتار پرمعنی، هجی کردن، حافظه شنیداری و درک خواندن) را در گروه‌های فرعی نوجوانان بزهکار نشان داده‌اند. در زمینه‌ی بررسی باورهای غیر منطقی نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میانگین باورهای غیر منطقی در دو گروه از لحاظ آماری دارای تفاوت معناداری است. به عبارتی نوجوانان بزهکار باورهای غیر منطقی بیشتری نسبت به نوجوانان غیر بزهکار دارند. این یافته‌ها نیز همسو با نتایج پژوهش‌های لاردن و میلین (۲۰۰۶)، باریگا و همکاران (۲۰۰۸) تأیید کننده وجود باورهای غیر منطقی بیشتر در نوجوانان بزهکار می‌باشد. با این وجود، نکته‌ی حائز اهمیت این است که باورهای غیر منطقی در نوجوانان غیر بزهکار شرکت کننده در این پژوهش نیز نسبتاً بالا بوده است که این موضوع خود می‌تواند ناشی از سیستم تربیتی و یا فرهنگ حاکم بر جامعه باشد. به هر حال، به نظر می‌رسد در این زمینه مطالعات سبب شناسی و مداخلات درمانی جهت کاهش باورهای غیر منطقی همان‌گونه که برای نوجوانان بزهکار لازم و سودمند است، می‌تواند برای نوجوانان غیر بزهکار نیز مفید واقع شود.

علی‌رغم نتایج فوق که همسو با سایر پژوهش‌ها در این زمینه بودند، نتایج حاصل از بررسی میزان کارکردهای اجرایی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار حاکی از آن است که کارکردهای اجرایی در اکثر نوجوانان بزهکار (۶۴/۴ درصد) قوی و خیلی قوی می‌باشد، که نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو نمی‌باشد. بدین معنی که پیشینه پژوهش نشان دهنده ضعف در کارکردهای اجرایی نوجوانان بزهکار است. برای مثال ویلمارت- پتمن و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهش خود نشان دادند که افراد پرخاشگر تکانشی در تکالیف کلامی پیچیده و استفاده اختصاصی از زبان که از مولفه‌های کارکردهای اجرایی می‌باشند، دچار مشکل هستند. پاسکال و فیش بین (۲۰۰۲) و استیونز و همکاران (۲۰۰۱) نیز در پژوهش‌های خود ضعف و نقص در کارکردهای اجرایی در بزهکاران را نشان داده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه قضاوت کرد که ناهمگنی زیادی بین بزهکاران مورد بررسی وجود داشته است. در کانون‌های اصلاح و تربیت در برخی موارد با افرادی برخورد می‌کنیم که نه به خاطر جرم و هنجار شکنی بلکه صرفاً به خاطر نبود سرپناه سر از کانون‌های اصلاح و تربیت در آورده‌اند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین نمرات باورهای غیر منطقی و کارکردهای اجرایی همبستگی معناداری وجود ندارد، که این نتیجه نیز با بسیاری از یافته‌های پژوهشی در این زمینه (گیانکولا، ۲۰۰۷؛ گیانکولا و همکاران، ۲۰۰۶؛ ویلمارت- پتمن و همکاران، ۲۰۰۲) همسو نمی‌باشد. برای مثال یافته‌های گیانکولا و همکاران (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که اسناد غلط، ادراک دشمنی یا تهدید و استدلال منطقی ضعیف که از جمله مولفه‌های باورهای غیر منطقی می‌باشند، در افراد پرخاشگر و جامعه

ستیز که دارای نقص در کارکردهای اجرایی هستند، دیده می‌شود. ویلمارت- پتمن و همکاران (۲۰۰۶) نیز بیان می‌کنند که ناتوانی در ارزیابی نتایج و سوء تعبیر، تهدید، تعارض و خصومت که از جمله مصادیق باورهای غیر منطقی هستند، در اثر آسیب کارکردهای اجرایی ایجاد می‌شوند و علاوه بر این، برخی از پژوهش‌ها (مک دونالد و همکاران (۲۰۰۳)، ویکر و همکاران (۱۹۹۱)) به نقل از گیانکولا، ۲۰۰۶ و استیونز و همکاران، (۲۰۰۱) نیز توانبخشی کارکردهای اجرایی را وسیله تنظیم خلق و خوی سخت‌عنوان می‌کنند که باعث تغییر در باورهای فرد و ایجاد مهارت‌های شناختی می‌شود. دلیل احتمالی عدم همسویی یافته‌های پژوهش (در زمینه‌ی میزان کارکردهای اجرایی در نوجوانان بزهکار و عدم ارتباط بین کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی) با سایر یافته‌های پژوهشی می‌تواند ناشی از شکل اجرای آزمون باشد. بدین معنی که به دلیل عدم دسترسی به والدین، قییم قانونی یا سرپرست مددجویان آزمون به صورت خود گزارش دهی اجرا شد، در حالی که در سایر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه محققین از آزمون‌هایی استفاده کردند که وابسته به عملکرد آزمودنی (برای مثال آزمون هفت گانه ارزیابی کارکردهای اجرایی) بوده است. همچنین بسیاری از مددجویان شرکت‌کننده در پژوهش تصور می‌کردند که نوع پاسخ آنها به آزمون در روند دادرسی آنها موثر خواهد بود و احتمال گرایش به انکار واقعیت در پاسخگویی به آزمون توسط مددجویان وجود داشته است.

در پایان باید بیان کرد که در هر پژوهش به موازات دستاوردهایی که ارائه می‌کند، محدودیت‌هایی نیز دارد که این پژوهش نیز از آن مستثنی نبوده است و از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به محدود بودن شرکت‌کنندگان در پژوهش به یک جنس (پسر) اشاره کرد که این محدودیت قابلیت تعمیم نتایج را به گروه دختران با مشکل روبرو می‌سازد. از جمله دیگر محدودیت‌ها نیز می‌توان به کم‌سواد بودن یا بی‌سواد بودن و درک مطلب ضعیف برخی از مددجویان اشاره کرد. به علاوه از جمله محدودیت‌های قابل توجه این پژوهش عدم دسترسی به والدین، ولی قانونی یا قییم مددجویان بود. از این رو، به پژوهشگران علاقه‌مند در این زمینه پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی شرکت‌کنندگان در پژوهش را از هر دو جنس انتخاب نموده و حتی الامکان آزمون‌هایی مورد استفاده قرار گیرد که مبتنی بر خودگزارش دهی مددجویان نبوده، وابستگی کمتری به سطح سواد داشته باشد و عملکرد مددجویان را بسنجد.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت
- دایتلو، فرانک و بیرشک، بهروز (۱۳۸۵). رفتار درمانی شناختی. *مجله تازه‌های علوم شناختی*، ۸، ۲، ۷۲-۸۱
- جونز، آر. جی (۱۹۸۶). *آزمون باورهای غیر منطقی جونز*. ترجمه: منوچهر تقی پور (۱۳۷۳): انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد

بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در ...

شاهرخی، حسن (۱۳۸۸). مقایسه عملکردهای اجرایی بیماران مبتلا به اختلال سلوک و با افراد سالم. رساله دکتری، رشته روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشگاه علوم پزشکی تهران
شاملو، سعید (۱۳۸۸). روانشناسی شخصیت. چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات آوای نور
شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۹). نظریه های مشاوره و روان درمانی. چاپ شانزدهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
علیزاده، حمید و زاهدی پور، مهدی (۱۳۸۳). کارکردهای اجرایی در کودکان با و بدون اختلالات هماهنگی رشدی. فصلنامه تازه های علوم شناختی، ۳، ۶، ۴، ۴۹-۵۳
علیزاده، حمید (۱۳۸۵). رابطه کارکردهای اجرایی عصبی-شناختی با اختلالات رشدی. فصلنامه تازه های علوم شناختی، ۸، ۴، ۷۰-۵۷

فرجاد، محمد حسین (۱۳۸۸). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات فارابی
محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵). بزهکاری نوجوانان و نظریه های انحراف اجتماعی. چاپ اول، تهران: نشر علم

- Arffa, S. (2007). The relationship of intelligence to executive function and non-executive function measures in a sample of average, above average, and gifted youth. *Archives of Clinical Neuropsychology*, 22, 969-978.
- Barriga A. Q, Hawkins MA, Camelia CRT (2008) Specificity of cognitive distortions to antisocial behaviours. *Criminal Behaviour and Mental Health* 18: 104-116.
- Barriga, A. Q & Gibbs, J. C. (1996). Measuring cognitive distortion in antisocial youth: development and preliminary validation of the how I think Questionnaire. *Aggressive behavior*. 22: 333-343.
- Barriga, A. Q., Sullivan-cosseti, M. & Gibbs, J. C. (2009). Moral cognitive correlates of empathy in juvenile delinquents. *Criminal behavior and mental health* 19, 253-264.
- Crews, F. T. & Boettiger, C. A. (2009). Impulsivity, frontal lobes and risk for addiction. *Pharmacology, Biochemistry and behavior*. 93: 237-247.
- Enns, R., Reddon, R. J., Das, J. P., & Boukos, H. (2007). Measuring executive function deficits in male delinquents using the cognitive Assessment systems. *Journal of offender rehabilitation* , 44, 43-63.
- Enns, R., Reddon, R. J., Das, J. P., & Boudreau, a. (2008). Measuring executive function deficits in female delinquents using the cognitive Assessment systems. *Journal of offender rehabilitation* , 47, 3-23.
- Giancola, P. R. (2007). The underlying role of aggressivity the relation between executive functioning and alcohol consumption. *Addictive Behaviors*, 32, 765-783.
- Giancola, P. R. (2003). Constructive thinking, antisocial behavior and use in adolescent boys with and without family history of a substance use disorder. *Personality and individual difference*. 35, 1315-1330.

- Giancola, P. R., Parrott, D. J. & Roth, R. M. (2006). The influence of difficult temperament on alcohol-related aggression: better accounted for by executive function? *Addictive behavior*. 31, 2169-2187.
- Gibbs JC (2003) *Moral Development and Reality: Beyond the Theories of Kohlberg and Hoffman*. London: Sage Publications.
- Howitt, D. & Sheldon, K. (2007). The role of cognitive distortion in pedophilic offending: internet and contact offenders compared. *Psychology, Crime & Law*, 13(5), 469- 486.
- Koolhof, R., Loeber, R., Wei, E. H., Pardini, D & D'escury, A. C. (2007). Inhibition deficits of serious delinquent boys of low intelligence. *Criminal Behavior and Mental Health* 17: 274-292.
- Larden, M. & melin, L. & Holest, U. & Langstorm, N. (2006). Moral judgment, cognitive disorder and empathy in incarcerated delinquent and community control adolescents. *Psychology, crime & law*, 12(5): 453-462.
- Morgam, A. B. & Lilienfeld, S. Q. (2000). A meta analytic review of the relationship between antisocial behavior and neuropsychological measures of executive function. *Clinical psychology review*, 20(1): 113-136.
- Paschall, M. J. & fishbein, D. H. (2002). Executive cognitive functioning and aggression: a public health perspective. *Aggression and violent behavior*, 7, 215-235.
- Riggs, N. r., jahromi, L. B., Raza, R. P., Dillworth-Bart. J. E. & Mueller, U. (2006). Executive function and the promotion of social-emotional competence. *Journal of applied developmental psychology*. 27: 300-309.
- Stevens, M. R., Kaplan, R. F. & Baver, L. O. (2001). Relationship of cognitive ability to the developmental course of antisocial behavior in substance-dependent patients- prog. *Neuro-psychological and Boil. Psychiat*. 25, 1523-1536.
- Teichner, G., Golden, C. J., Crum, T. A., Azrin, N. H., Donohue, B. & Van hasselt, V. B. (2000). Identification of neuropsychological subtypes in a sample of delinquents adolescents. *Journal of psychiatric research*. 34, 129-132.
- Teichner, G., Golden, C. J. (2000). The relationship of neuropsychological impairment to conduct disorder in adolescence: a conceptual review. *Aggression and violent*, 5(6): 509-528
- Villemarett-pittman, N, R., Stanford. M. S. & Greve, K. W. (2002). Language and executive function in self-reported impulsive aggression and violent. *Personality and individual differences*, 34, 129-132.
- Yochelson S, Samenow SE (1977). *The Criminal Personality: The Change Process* (Vol. 2). New York: Jason Aronson